یادداشت

شکست امریکا در تهران زلزله در واشینگتن



سید عبدالله متولیان
کارشناس سیاسی

ایران، برنده اصلی انتخاباتی که هزینه جنگ را به خانه ترامپ بازگرداند. این‌بار پیامدهای جنگ با ایران در میدان نبرد متوقف نماند. از تنگه هرمز و بازار انرژی گذشت، به پمپ بنزین‌های امریکا رسید و سرانجام در صندوق‌های رأی واشینگتن خود را نشان داد. انتخابات میان‌دوره‌ای امریکا، فراتر از یک رقابت حزبی، به صحنه آشکار شدن هزینه راهبردی جنگی تبدیل شد که قرار بود ایران را به زانو درآورد، اما محاسبات سیاسی کاخ سفید را برهم زد.

وقتی ترامپ و معاونش، جی‌دی ونس، شکست جمهوری‌خواهان را به جنگ با ایران نسبت می‌دهند، با یک اعتراف سیاسی روبه‌رو هستیم: جنگی که قرار بود قدرت امریکا را به رخ بکشد، به نقطه‌ضعف دولت امریکا تبدیل شده است. پیام این انتخابات روشن است. هزینه جنگی که واشینگتن برای ایران طراحی کرده بود، به داخل امریکا بازگشته و این تازه آغاز راه است.

۱- خطای بزرگ واشینگتن: امریکا با این تصور وارد جنگ شد که با ضربه به رأس نظام و تخریب زیرساخت‌ها، ایران در چند روز فرو می‌پاشد. همان نسخه‌ای که پیش‌تر در کشورهای دیگر آزموده بود: ضربه نظامی، اختلال در زندگی روزمره، فشار اقتصادی و جنگ روانی برای به خیابان کشاندن مردم و برهم زدن نظم سیاسی، اما ایران، عراق و لیبی نبود. نه با ترور رهبرش از هم پاشید، نه با تهدید به بازگرداندن آن به عصر حجر تسلیم شد و نه با فشار بر شریان‌های حیاتی، اراده ملی‌اش را از دست داد. دشمن، انسجام و ظرفیت‌های کشوری را دست‌کم گرفت که سال‌ها برای روزهای سخت آماده شده بود. آنچه واشینگتن فروپاشی سه‌روزه می‌پنداشت، به مقاومتی تاریخی تبدیل شد، مقاومتی که نشان داد قدرت ملی را نمی‌توان صرفاً با شمار موشک‌ها و حجم بمباران سنجید.

۲- جنگی که به محاسبات امریکا بازگشت: تنگه هرمز و بازار انرژی، یکی از روشن‌ترین جلوه‌های شکست محاسبات امریکا بود. واشینگتن می‌خواست با جنگ، اراده خود را تحمیل کند، اما اکنون امنیت انرژی و اقتصاد جهانی نیز از پیامدهای تصمیم‌های آن تأثیر می‌پذیرد. افزایش هزینه انرژی و نگرانی از استمرار بحران، جنگ را از یک پرونده خارجی به مسئله‌ای ملموس در زندگی شهروندان امریکایی (و اروپایی) تبدیل کرده‌است. این همان نقطه‌ای است که میدان نبرد به سیاست داخلی امریکا متصل می‌شود: جنگی که برای تغییر محاسبات تهران آغاز شد، محاسبات انتخاباتی واشینگتن را تغییر داد. شکست جمهوری‌خواهان، در این چارچوب، صرفاً شکست یک حزب نیست، نشانه‌ای از هزینه سیاسی راهبردی است که دولت امریکا در قبال ایران برگزید. البته نباید در ماهیت تقابل دو حزب امریکایی دچار خطا شد. جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها در هدف راهبردی خود درباره ایران اختلافی ندارند، تفاوت در شیوه پیشبرد آن است. یکی با زبان تهدید و فشار عریان پیش می‌آید و دیگری با دستکش مخملین، همان مشت آهنین را پنهان می‌کند. شکست یک حزب، پایان دشمنی امریکا نیست؛ اما می‌تواند شکست یک روش و یک محاسبه باشد.

۳- ایران قوی، پاسخ راهبردی به تهدید: آنچه محاسبات امریکا را ناکام گذاشت، محصول یک تصمیم مقطعی نبود. قدرت موشکی و پهپادی، توان دفاعی، دانش و فناوری، ظرفیت‌های راهبردی، اقتصاد مقاومتی، انسجام اجتماعی و اراده ایستادگی، اجزای منظومه‌ای هستند که با محوریت اندیشه «ایران قوی» شکل گرفته‌اند. این مسیر، حاصل سال‌ها تأکید و مجاهدت امام شهید آیت‌الله العظمی خامنه‌ای برای ساختن ایرانی مقتدر و مستقل است.

امروز نیز رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای، بر ضرورت قوی‌تر شدن ایران و ارتقای دکترین مقابله با دشمن تأکید دارند. هدف راهبردی باید روشن باشد: قدرت ایران باید چنان افزایش یابد که دشمن پیش از هر اقدام، هزینه تهدید و تعرض را چنان سنگین ببیند که اساساً جرئت تهدید ایران را پیدا نکند. پیام انتخابات امریکا را باید در همین چارچوب خواند. ایران فقط در برابر فشارها، مقاومت نکرده‌است؛ توانسته است هزینه تصمیم‌های خصمانه را به محاسبات طرف مقابل بازگرداند. این معنای واقعی بازدارندگی و یکی از دستاوردهای راهبرد «ایران قوی» است.

امریکا به تهران حمله کرد تا اراده خود را تحمیل کند، اما پیامدهای جنگ، از میدان نبرد تا سیاست داخلی واشینگتن، به زیان همان راهبرد رقم خورد. شکست امریکا در تهران، در واشینگتن نیز پژواک یافت. این تجربه باید به یک اصل پایدار تبدیل شود: ایران باید آن‌قدر قوی باشد که دشمن نه‌فقط از حمله، بلکه از اندیشیدن به تهدید این سرزمین نیز منصرف شود.

خبر آخر

خطیب نماز جمعه تهران:

دشمن با کوچک‌ترین خطا سیلی خواهد خورد

به ملت ایران بشارت می‌دهم دشمن کوچک‌ترین خطایی کند رزمندگان باورمند ما در نیروهای مسلح، سیلی جانانه‌ای بر او خواهند نواخت.

حجت‌الاسلام سید احمد خاتمی در خطبه‌های نماز جمعه تهران گفت: هفته‌ای که گذشت هفته نفرت ایران و دنیا از امریکا بود؛ هفته‌ای بود که شعار ۴۷ ساله عملاً در امریکا سر داده شد؛ مرگ بر امریکا. عملاً زلزله در امریکا رخ داد؛ جمهوری‌خواهان با مغز زمین خوردند. طی این دو هفته دو انتخابات برگزار شد؛ یکی در رژیم جعلی صهیونیستی که نتانیاهو نتوانست نصاب لازم را به دست آورد و مجدداً دولت تشکیل دهد و عملاً شکست خورد. البته هم‌اکنون بازی می‌کنند تا ائتلاف برسانند؛ کاری به این موضوع ندارم، مهم این است که نتانیاهو شکست خورد، یعنی مرگ بر اسرائیل. انتخابات دوم، انتخابات میان‌دوره‌ای امریکا بود که جمهوری‌خواهان با مغز زمین خوردند و هر دو مجلس را از دست دادند. البته برای ما دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان سر و ته یک کرباس هستند؛ سگ زرد برادر شغال است. ما از دموکرات‌ها هم کم آسیب ندیدیم.

خاتمی افزود: این شکستی که جمهوری‌خواهان خوردند شکست اساسی بود؛ در ۷۲ سال گذشته تنها در سه انتخابات میان‌دوره‌ای حزب حاکم هر دو مجلس را از دست داده‌است. امروز تعابیری که خودشان می‌گویند این است ترامپ و جمهوری‌خواهان متحمل شکست تاریخی شدند. ناقوس مرگ ترامپیسم زده شده و عصر ترامپ پاشیده است و جمهوری‌خواهان از درون پاشیده شده‌اند. این ضربه‌ای است که آقای شهیدمان بر آنان زد؛ ضربه‌ای بود که بمب اتمی هم نمی‌توانست بزند. وی تصریح کرد: در این انتخابات این دموکرات‌ها نبودند که پیروز شدند؛ این ایران بود که پیروز شد. یکی از خودشان می‌گوید باید صادق باشیم، در انتخابات میان‌دوره‌ای ایران پیروز شد. خودشان نیز گفتند هیچ رئیس‌جمهور دیگر بعد از این جرئت جنگ با ایران را ندارد. وی تأکید کرد: اگر کسانی اندک امیدی به تغییر نظام سلطه دارند سخت در اشتباهند. حسنین هیکل نویسنده مصری در این باره تعبیری دارد؛ می‌گوید ولایت فقیه مینی بود که امیرالمؤمنین علی (ع) آن را ساخت و به تعبیر من خمینی (ره) آن را زیر پای امریکا منفجر کرد.

گزارش یک

افق روابط جدید ایران و روسیه ترسیم شد

امضا و تعهد امریکا را دیگر نمی‌پذیریم

سفر یک‌روزه دبیر شورای عالی امنیت ملی به مسکو، در حالی با ابلاغ پیام رهبر معظم انقلاب به ولادیمیر پوتین و رایزنی درباره مناسبات راهبردی تهران و مسکو همراه شد که برخی روایت‌ها از درخواست واشینگتن برای میانجی‌گری روسیه در مذاکرات مستقیم با ایران حکایت دارد. روایتی که در کنار توضیحات علی باقری درباره شروط هفت‌گانه تهران، ابعاد تازه‌ای از معادله دیپلماسی و تحولات تنگه هرمز را آشکار می‌کند. معادله‌ای که در آن جمهوری اسلامی ایران هرگونه گشایش دیپلماتیک را به اقدامات عملی امریکا و اجرای شروط اعلام‌شده از سوی تهران منوط کرده است.



سفر سردار سرلشکر محسن رضایی به مسکو، از یک‌سو حامل پیام مهم رهبر معظم انقلاب برای رئیس‌جمهور روسیه و فرصتی برای پیگیری همکاری‌های راهبردی دو کشور در حوزه‌های اقتصادی، منطقه‌ای و امنیتی بود و از سوی دیگر، در بستر تلاش‌های تازه برای بازگشت به مسیر دیپلماسی میان تهران و واشینگتن انجام شد. تلاشی که به روایت عزت‌الله ضرغامی، پس از درخواست استیو ویتکاف، فرستاده ویژه دونالد ترامپ، از پوتین برای میانجی‌گری و فراهم‌کردن زمینه مذاکرات مستقیم با ایران مطرح شده بود. عزت‌الله ضرغامی عضو شورای عالی فضای مجازی، روز پنج‌شنبه در گفت‌وگو با فارس، از اعزام نمایندگانی از سوی پوتین به ایران برای درخواست میانجی‌گری در مذاکرات تهران و واشینگتن خبر داد و گفت: سرلشکر رضایی در تماس تلفنی با پوتین، پاسخ منفی ایران به این درخواست را اعلام کرده است. با این حال، آنچه از مواضع محسن رضایی و توضیحات تفصیلی علی باقری، معاون دبیر شورای عالی امنیت ملی، درباره این سفر برمی‌آید، نشان می‌دهد که تهران قصد ندارد تجربه مذاکرات گذشته و نقض مکرر تعهدات امریکا را نادیده بگیرد. ایران نه‌تنها پیشنهاد بازگشت به مذاکرات را بدون اجرای شروط هفت‌گانه خود نپذیرفته، بلکه تأکید دارد که دیگر به تعهدات کاغذی واشینگتن اعتماد نخواهد کرد. بر این اساس، هرگونه گشایش در مسیر دیپلماسی به مشاهده اقدامات عملی امریکا وابسته است و تا پیش از تحقق این شروط، تغییری در مواضع ایران، از جمله درباره تنگه هرمز، صورت نخواهد گرفت.

■ پیام رهبر انقلاب به پوتین

مهم‌ترین محور سفر محسن رضایی به مسکو، ابلاغ پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به ولادیمیر پوتین بود. مأموریتی که با تأکید رهبر انقلاب برای انجام سریع‌تر آن همراه شده بود. رضایی شامگاه پنج‌شنبه در جمع خبرنگاران در مسکو با اشاره به اینکه این سفر از حدود یک ماه قبل برنامه‌ریزی شده بود، اما به دلیل تحولات نظامی منطقه به تأخیر افتاد، اظهار کرد: «مقام معظم رهبری تأکید کردند که هرچه سریع‌تر پیام ایشان را به آقای پوتین رئیس‌جمهور روسیه تسلیم کنم.» وی همچنین از پیام متقابل رئیس‌جمهور روسیه خبر داد و گفت: «آقای پوتین از من خواستند که سلام بسیار گرم و صمیمانه وی را به مقام معظم رهبری برسانم.» اهمیت این پیام‌رسانی صرفاً به انتقال یک پیام دیپلماتیک محدود نمی‌شود. با توضیح علی باقری، معاون دبیر شورای عالی امنیت ملی، پیام رهبر معظم انقلاب علاوه بر طرح مؤلفه‌های موردنظر جمهوری اسلامی ایران برای همکاری‌های دوجانبه، چشم‌انداز مناسبات آینده دو کشور را نیز ترسیم کرده‌است تا طرف روسی درک روشن‌تری از مسیر همکاری‌ها در دوره رهبری حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای داشته باشد. باقری با اشاره به اینکه سفر رضایی در چارچوب دیپلماسی هدفمند و فعال جمهوری اسلامی ایران برای رایزنی با بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی انجام شد، گفت: دیدار دبیر شورای عالی امنیت ملی با پوتین، دیداری تفصیلی بود که حدود سه ساعت به طول انجامید و همکاری‌های راهبردی تهران و مسکو در سطوح دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی در آن مورد بحث قرار گرفت. در همین راستا، پوتین ضمن استقبال از پیام رهبر معظم انقلاب، بر نقش سازنده و کلیدی ایران در تحولات منطقه تأکید کرد و با اشاره به مواضع مشترک تهران و مسکو در پرونده‌های مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی، آمادگی روسیه برای توسعه مناسبات و تداوم رایزنی‌های سیاسی و امنیتی با ایران را مورد تأکید قرار داد.

■ پیگیری دو طرح راهبردی تهران و مسکو

بخش مهم دیگری از مذاکرات مسکو به همکاری‌های اقتصادی و طرح‌های مشترک دو کشور اختصاص داشت. همکاری‌هایی که با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی ایران و روسیه، می‌تواند ابعاد تازه‌ای به مناسبات اقتصادی و تجاری دو طرف ببخشد. محسن رضایی در تشریح نتایج این بخش از مذاکرات، از تصویب قرارداد اجرایی ساخت خط ریلی رشت ـ آستارا در شورای عالی امنیت ملی با مشارکت طرف روسی خبر داد و اعلام کرد که وزیر راه و شهرسازی قرار است به‌زودی این قرارداد را به نمایندگی از جمهوری اسلامی ایران امضا کند.

موضوع انتقال گاز روسیه به ایران نیز از دیگر محورهای مهم مذاکرات بود. به گفته رضایی، اجرای این طرح علاوه بر کمک به تأمین و رفع کمبودهای گاز کشور، امکان انتقال و فروش گاز روسیه به کشورهای همسایه را نیز برای ایران فراهم خواهد کرد. علی باقری در توضیح بیشتر این موضوع، از بررسی راهگذر شمال ـ جنوب و موانع موجود بر سر راه تکمیل آن خبر داد و گفت دو طرف توافق کرده‌اند در نخستین فرصت، سازوکارها و تدابیر لازم را برای تسریع در اجرای این طرح به کار بگیرند.

وی درباره انتقال گاز نیز توضیح داد که این موضوع در دو سطح کوتاه‌مدت و میان‌مدت بررسی شده است؛ در مرحله کوتاه‌مدت، استفاده از ظرفیت‌های موجود و در مرحله میان‌مدت، ایجاد ظرفیت لازم برای انتقال حجم قابل توجهی از گاز روسیه به ایران در دستور کار قرار دارد. بخشی از این گاز برای مصرف داخلی و بخش عمده آن برای انتقال به کشورهای دیگر پیش‌بینی شده‌است. با این توصیف همکاری‌های اقتصادی تهران و مسکو صرفاً در چارچوب مبادلات تجاری قابل ارزیابی نیست، بلکه بخشی از تلاش دو کشور برای تقویت پیوندهای ژئوپلیتیکی و ایجاد ظرفیت‌های جدید اقتصادی و ترانزیتی در منطقه به شمار می‌رود.

■ مخالفت با مداخله قدرت‌های خارجی

تحولات غرب آسیا و خلیج فارس و چگونگی شکل‌گیری ترتیبات امنیتی پس از جنگ، از دیگر محورهای اصلی مذاکرات رضایی و پوتین بود. به گفته دبیر شورای عالی امنیت ملی، بخش قابل توجهی از دیدار با رئیس‌جمهور روسیه به بررسی مسائل منطقه‌ای و آینده امنیت منطقه اختصاص داشت. رضایی در این زمینه با اشاره به نشست چهارجانبه ایران، پاکستان، عربستان و ترکیه در تهران، گزارشی از مباحث مطرح‌شده در این نشست به پوتین ارائه کرد. به گفته وی، رئیس‌جمهور روسیه ضمن استقبال از این ابتکار، بر ضرورت شکل‌گیری ترتیبات امنیتی منطقه‌ای تأکید کرده و اعلام کرده است که مسکو نیز مانند پکن معتقد است کشورهای خارجی نباید در تأمین امنیت منطقه دخالت کنند. علی باقری نیز نشست چهارجانبه تهران را نقطه عطفی در مسیر شکل‌گیری ترتیبات جدید امنیتی توصیف کرد و گفت این نشست از نگاه روسیه و چین نیز اهمیت ویژه‌ای داشته است. وی تأکید کرد که این ابتکار می‌تواند نقطه شروعی سازنده برای امنیت‌سازی درون‌زای منطقه باشد و کشورهای منطقه باید با رایزنی و همکاری، زمینه اجرای چنین سازوکاری را فراهم کنند.

■ آزمون عملی امریکا

دبیر شورای عالی امنیت ملی هم درباره موضع تهران در برابر پیشنهادهای دیپلماتیک امریکا تصریح کرد: «در مسئله دیپلماسی، هفت شرط را به امریکایی‌ها اعلام کردیم و تا امریکایی‌ها به هفت شرط ما عمل نکنند، نه تنگه هرمز باز می‌شود و نه مذاکره‌ای در کار است و دیپلماسی که الان صورت می‌گیرد، صرفاً با این هدف است که امریکایی‌ها حقوق ما را بپردازند.» وی همچنین تأکید کرد که اجرای شروط هفت‌گانه از سوی امریکا می‌تواند نشان‌دهنده تغییر رفتار واشینگتن باشد؛ موضوعی که از نگاه تهران معیار سنجش جدیت طرف مقابل در ورود به یک فرایند دیپلماتیک جدید خواهد بود.

توضیحات علی باقری نیز درباره شروط هفت‌گانه ایران، ابعاد روشن‌تری از موضع جمهوری اسلامی در برابر پیشنهادهای مذاکره ارائه می‌کند. معاون دبیر شورای عالی امنیت ملی در پاسخ به پرسشی درباره میانجی‌گری کشورها و آمادگی روسیه برای ایفای نقش در این زمینه، تأکید کرد که اولویت کنونی باید اجرای ایده عملیاتی جمهوری اسلامی ایران باشد و پس از آن می‌توان درباره اقدامات دیگر تصمیم گرفت. وی با مرور سابقه مذاکرات ایران و امریکا در یک سال و نیم گذشته، چهار مرحله از نقض تعهدات و اقدامات خصمانه واشینگتن را یادآور شد؛ از آغاز جنگ در بهار سال گذشته در حالی که مذاکرات جریان داشت، تا فعال کردن غیرقانونی سازوکار اسنپ‌بک در پاییز، آغاز جنگ تحمیلی سوم در زمستان و در نهایت نقض تفاهمی که حتی سه هفته نیز دوام نیاورد.

باقری با اشاره به رفتار طرف امریکایی در آخرین تفاهم تأکید کرد که واشینگتن از همان روزهای نخست موارد متعددی از نقض تعهدات را مرتکب شد و در ادامه نیز خود اعلام کرد که این توافق به‌اندازه کاغذی که روی آن نوشته شده‌است، ارزش ندارد. بر همین اساس، معاون دبیر شورای عالی امنیت ملی موضع کنونی ایران را چنین تشریح کرد که تهران دیگر حاضر نیست صرفاً بر مبنای تعهدات مکتوب امریکا وارد مرحله جدیدی از دیپلماسی شود. وی گفت: «این حق جمهوری اسلامی ایران است که برای ورود به عرصه جدید دیپلماسی، به تعهدات کاغذی امریکایی‌ها اکتفا نکند. ما باید اقدامات عملی را از سوی امریکایی‌ها مشاهده کنیم.» باقری در ادامه تأکید کرد که با عملیاتی‌شدن این اقدامات، زمینه و بستر گشایش جدید فراهم خواهد شد.

تأکید منبع بلندپایه امنیتی و سیاسی ایران در گفت‌وگو با المیادین بر اینکه تهران پیش از اجرای کامل و هم‌زمان هفت شرط خود هیچ فایده‌ای در برداشتن گام‌های جدید دیپلماتیک نمی‌بیند و گزارش‌های مربوط به ارائه ابتکار سیاسی جدید از سوی رضایی به پوتین را ساختگی می‌داند، این گزاره را تقویت می‌کند که بدون اجرای عملی شروط هفت‌گانه ایران از سوی امریکا، نمی‌توان انتظار هیچ‌گونه گشایشی در مذاکرات داشت و هرگونه اقدام خصمانه علیه ایران مانند بومرنگ به دشمن متجاوز خواهد خورد.

مجموع مباحث مطرح‌شده در سفر مسکو نشان می‌دهد که تهران هم‌زمان دو مسیر را دنبال می‌کند؛ از یک‌سو توسعه همکاری‌های راهبردی با روسیه، تقویت پیوندهای اقتصادی و ترانزیتی و رایزنی درباره شکل‌گیری ترتیبات امنیتی منطقه‌ای و از سوی دیگر، حفظ موضع اعلام‌شده در برابر امریکا و مشروط‌کردن هرگونه گشایش دیپلماتیک به اقدامات عملی واشینگتن. به این ترتیب، پیام اصلی سفر محسن رضایی به کرملین را می‌توان در تفکیک روشن میان آمادگی ایران برای دیپلماسی و پذیرش مذاکره بدون تضمین خلاصه کرد. تهران از مسیر رایزنی و تعامل با بازیگران بین‌المللی خارج نشده، اما قرار نیست صرف درخواست مذاکره از سوی واشینگتن یا ارائه تعهدات مکتوب، به تغییر مواضع ایران و بازگشایی تنگه هرمز منجر شود. اکنون بر اساس موضع اعلام‌شده جمهوری اسلامی ایران، این امریکاست که باید با اقدامات عملی، جدیت خود را برای ورود به مرحله‌ای متفاوت از مناسبات با تهران اثبات کند.

دفاعی

سخنگوی ارتش:

تنگه هرمز با هیچ ماجراجویی باز نخواهد شد

هرگونه تجاوز، ماجراجویی مجدد یا شرارت در منطقه نخواهد توانست تنگه هرمز را باز کند و تنها راه باز شدن آن، تن دادن امریکا به شروط هفت‌گانه‌ای است که از طریق مقامات سیاسی و امنیتی به طرف امریکایی اعلام شده است.



امیر سرتیپ «محمد اکرمی‌نیا» سخنگوی ارتش جمهوری اسلامی ایران در گفت‌وگو با دفاع‌پرس، درباره بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با فرماندهان ارشد نیروهای مسلح اظهار داشت: فرمانده معظم کل قوا در این دیدار نکات بسیار مهم و راهبردی را در ارتباط با تحولات جاری در سطح منطقه فرمودند. وی با اشاره به محور نخست این بیانات گفت: آمادگی رزمی هوشمندانه ناظر بر برخورداری از همه مؤلفه‌های سخت و نرم قدرت و توانایی تلفیق این‌ها بر اساس اقتضائات زمان و مکان است که به ما هوشمندی در توان رزمی می‌دهد. سخنگوی ارتش، پاسخگویی سریع به هرگونه تجاوز دشمن را محور دیگر فرمایشات رهبر معظم انقلاب اسلامی دانست و افزود: معظم‌له بر این موضوع تأکید فرمودند و از نیروهای مسلح حمایت و پشتیبانی کردند. این حضور در امتداد اقتدار جمهوری اسلامی ایران و ارتقای توان بازدارندگی کشور تحلیل و تفسیر می‌شود و می‌تواند توان نیروهای مسلح را به لحاظ انگیزه، روحیه و تعهد بیشتر نسبت به انجام مأموریت‌ها برای حفظ و حراست از کشور، نظام اسلامی و منافع و امنیت ملی تقویت کند. اکرمی‌نیا موضوع دیگر مورد تأکید فرماندهی معظم کل قوا را پاسخ اثرگذار عنوان کرد و گفت: این به عنوان یک فرمان صادر شده و نیروهای مسلح تمام تلاش عملیاتی خود را به سمت اثرگذاری و اثربخشی دنبال خواهند کرد، به گونه‌ای که دشمن را از شکل دادن به هرگونه ماجراجویی یا دست زدن به هرگونه تجاوز پشیمان کنند. سخنگوی ارتش با اشاره به محور سوم بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی مبنی بر پاسخ بدون محدودیت جغرافیایی تصریح کرد: دشمن ما علاوه بر حضور در سطح منطقه، پایگاه‌هایی در خارج از منطقه جنوب غرب آسیا دارد و تجهیزات و نیروهایش در آن پایگاه‌ها مستقر هستند. بر اساس این فرمان، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران همه اهداف مادی و غیرمادی دشمن امریکایی را بدون در نظر گرفتن محدودیت‌های جغرافیایی مورد حمله قرار خواهند داد و در صورت تجاوز دشمن، هیچ محدودیت جغرافیایی برای نیروهای مسلح مطرح نخواهد بود. امیر سرتیپ اکرمی‌نیا حمایت و پشتیبانی مردمی از نیروهای مسلح را محور دیگر فرمایشات فرماندهی معظم کل قوا برشمرد و اظهار داشت: بیش از ۲۵۰ شب است که مردم عزیز ما در اجتماعات شبانه از نظام اسلامی، کشور عزیزمان، سرزمین ایران، تمامیت ارضی و همچنین از نیروهای مسلح حمایت می‌کنند. وی همچنین در خصوص شروط هفت‌گانه جمهوری اسلامی ایران که از سوی مقامات عالی‌رتبه امنیتی اعلام شده نیز گفت: این شروط تنها راه باز شدن تنگه هرمز است و تنها راه باز شدن تنگه هرمز فقط تن دادن امریکایی‌ها به این شروط است. سخنگوی ارتش تأکید کرد: قطعاً هرگونه تجاوز، ماجراجویی مجدد یا شرارت در منطقه نخواهد توانست تنگه هرمز را باز کند و تنها راه باز شدن آن، تن دادن امریکا به شروط هفت‌گانه‌ای است که از طریق مقامات سیاسی و امنیتی به طرف امریکایی اعلام شده‌است.

گزارش ۲

فاطمه بصیری

نمایش اقتدار میدانی ایران در هوا و دریا

نه پهپادهای امریکا عبور می‌کنند نه کشتی‌های متخلف

نیروهای مسلح ایران در هر لایه از میدان جنگ، هرگونه تهدید و تحرک دشمن را با پاسخ متناسب مواجه می‌کنند.

در پی تقویت سازوکارهای کنترلی ایران بر مناطق جنوبی، تنها طی دو روز گذشته نیروهای مسلح توانستند دست‌کم چهار پهپاد امریکایی را شکار و چندین شناور و نفتکش متخلف را متوقف کنند. طبق اطلاعیه روز گذشته سپاه پاسداران، دو فروند نفتکش متخلف، یکی در محدوده شرق تنگه هرمز و دیگری در تنگه هرمز که قصد عبور از مسیر غیرمجاز را داشتند، با مین برخورد کرده و در آب‌های تنگه هرمز متوقف شدند. در ادامه اطلاعیه آمده، این دو نفتکش تمامی سامانه‌های ناوبری و شناسایی خود را خاموش کرده و تلاش داشتند با حمایت ارتش متجاوز و تروریست امریکا از مسیر غیرمجاز تنگه هرمز خارج شوند که پس از برخورد با مین دچار آتش‌سوزی شدند و متوقف گردیدند. روز پنج‌شنبه نیز یک فروند نفتکش متخلف که در محدوده ناامن در شرق تنگه هرمز تردد می‌کرد و سامانه‌های شناسایی و ناوبری خود را خاموش کرده‌بود، بر اثر برخورد با مین دریایی دچار آتش‌سوزی و متوقف شد. همچنین، در دو حادثه جداگانه یک نفتکش بزرگ بر اثر اصابت با مین دچار سانحه آتش‌سوزی شد و متوقف گردید و یک ابرنفتکش دیگر در حال خروج از این محور در شرق تنگه هرمز، در آتش‌سوزی گسترده متوقف شد و یک فروند یدک‌کش که برای اطفای حریق به این ابرنفتکش نزدیک شده بود نیز، دچار آتش‌سوزی و حریق شد. سپاه پیش‌تر اعلام کرده بود که چهار نفتکش متخلف پس از برخورد با مین و دو فروند کشتی متخلف دیگر نیز متوقف شده‌اند. به موازات توقف نفتکش‌ها و شناورهای متخلف، سپاه پاسداران پهپادهای متخاصم را رهگیری و برخی از آنها را به غنیمت گرفت. در همین راستا، یگان جنگ الکترونیک نیروی دریایی سپاه کنترل و هدایت دو فروند پرنده متجاوز از نوع «لوکاس» را در دست گرفت و آنها را سالم بر زمین نشاند و به غنیمت گرفت. در اطلاعیه دیگری در روز پنج‌شنبه، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام کرد که دو فروند پهپاد شناسایی امریکایی از نوع MQM-170 را در آسمان جزیره قشم شکار کرد. با این شکار، شمار پهپادهای شناسایی امریکایی از نوع MQM-170 که شکار شده‌اند به شش فروند رسیده است. پیش از آن، پنجاه‌وششمین پهپاد MQ-9 و پانزدهمین پهپاد MQ1 امریکایی توسط سامانه نوین پدافند پیشرفته سپاه و تحت کنترل شبکه یکپارچه پدافند هوایی کشور رهگیری و منهدم شد.

■ ابزارهای تهدید ایران و معادله جدید در خلیج فارس

موفقیت روزافزون ایران در شکار پهپادها از یک‌سو و تنبیه کشتی‌های متخلف از سوی دیگر، مؤلفه‌ای است که بیش از گذشته ثابت می‌کند ایران توانایی خود را در تسلط بر تنگه هرمز حفظ کرده است. این در حالی است که پیامدهای بسته بودن تنگه هرمز به طور روزانه گسترده‌تر می‌شود و تلاش‌های امریکا و متحدانش برای پنهان ماندن آثار سوء افزایش قیمت انرژی در جهان به بن‌بست می‌خورد. شکست حزب ترامپ در انتخابات مجلس نشان داد که ادعاها و دروغ‌های تکراری و هر روزه ترامپ مبنی بر تسلط واشینگتن بر تنگه هرمز به عنوان کانون منازعه امریکا و ایران، برای انحراف افکار عمومی از تبعات قیمت انرژی با شکست مواجه شده و مردم امریکا و اروپا به طور ملموسی در حال تجربه ناتوانی امریکا در باز کردن این تنگه راهبردی هستند. همان‌طور که مقامات امریکایی چون ونس معاون ترامپ نیز گفتند: «دلیل شکست ما جنگ بود. خود رئیس‌جمهور هم دیشب همین را گفت.»

در ثانی، افزایش آمار شکار پهپادها و آسیب به کشتی‌های متخلف بیانگر تشدید تحرکات امریکا برای رهایی از وضعیت غیرقابل مهار است. امریکا تلاش دارد که وضعیت تنگه هرمز را به صورت سخت و ضربه به مراکز دیده‌بانی ایران و همچنین فشار به کشتی‌ها برای تردد غیرمجاز از مسیرهای تحت حفاظت امریکا، از کنترل ایران خارج کند. روشی از ابتدای بسته شدن تنگه هرمز توسط ایران آغاز شده و تاکنون بدون کمترین موفقیتی تداوم داشته‌است. در واقع تشدید تحرکات امریکا در آب‌های جنوبی کشور رابطه مستقیمی با افزایش درماندگی و نداشتن راهبرد جایگزین برای خروج از این وضعیت دارد تا زمینه اعلام پیروزی در جنگ پرهزینه با ایران را شدنی کند.

علاوه بر موارد فوق، موفقیت ایران در رفع تهدیدات امنیتی و نظامی در جنوب به همراه اتخاذ تدابیر جدید و به‌روز برای تنبیه کشتی‌های متخلف نشان می‌دهد که ایران از سطح بالای آمادگی هم در عرصه نظامی و هم در عرصه راهبردی برای مواجهه با هرگونه اقدام نظامی دشمن برخوردار است. گزارش‌های مرتبط با حملات ابتکاری به شناورهای متخلف از به‌کارگیری روش‌های عملیاتی هوشمندانه در جنگ نامتقارن خبر می‌دهند که می‌تواند محاسبات جدیدی را در تنگه هرمز ایجاد کند. این وقایع به همراه تهدید جدید ایران به قطع کابل‌های اینترنتی در خلیج فارس، نشان می‌دهد که ایران از مجموعه‌ای از ابزارهای تهدید برخوردار است که تاکنون امریکا نتوانسته آنها را حذف کند و به طور معکوسی دامنه آنها به مرور زمان افزایش یافته است. اما عملکرد امریکا به اینجا ختم نمی‌شود. ترامپ بر خلاف ادعاهایش، به طور موازی دیپلماسی با ایران را به طور پنهانی حفظ کرده تا موفقیت خود را از این طریق محک بزند، اما تهران در میدان دیپلماسی، با گذاشتن هفت شرط غیرقابل تغییر، توپ را به زمین امریکا انداخته و اعلام کرده که تنگه هرمز باز نخواهد شد مگر امریکا به هفت شرط اعلامی ایران تن دهد. این اقدام بر خلاف رویه‌های حاکم بر کاخ سفید که در ابتدا ایران را ملزم به عمل به بندهای مذاکرات می‌کرد، خواستار اقدام اولیه از سوی امریکا است. روشی که هم نشان می‌دهد که امریکا تا چه اندازه به مذاکره و دیپلماسی پایبند است و هم امکان کسب امتیازات برای ایران را فراهم می‌کند.

گزیده خبر

رئیس سازمان انرژی اتمی ایران:

تهدید کوه کلنگ نشانه استیصال ترامپ است

اینکه رئیس‌جمهور ایالات متحده دائماً تهدید به حمله به «کوه کلنگ» می‌کند نشانه‌ای آشکار از استیصال آنها است.

محمد اسلامی، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی ایران در پاسخ به سؤال شبکه راشاتودی گفت: اینکه دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده دائماً تهدید به حمله به «کوه کلنگ» می‌کند و پیش‌تر نیز در خصوص حمله به مکان‌های دیگر از انواع تهدیدها استفاده کرده است، نشانه‌ای آشکار از استیصال آنها است. اسلامی افزود: هم‌زمان، رافائل گروسی مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز همچون کارگزار و پیرو مطیع دشمنان ما عمل کرده و عملاً اطلاعاتی را در اختیار آنها قرار می‌دهد. وی خاطرنشان کرد: این اقدام گروسی به منزله سوءاستفاده از اختیارات نهادهای بین‌المللی است که اعتبار و مشروعیت این سازمان‌ها را زیر سؤال می‌برد و همچنین ضعف جدی را هم در «منشور سازمان ملل متحد» و هم در «پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای» آشکار می‌کند. رئیس سازمان انرژی اتمی، اعمال چنین استانداردهای دوگانه‌ای از سوی مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را به شدت محکوم کرد و گفت: این استانداردهای دوگانه چنان عیان شده‌اند که اکنون به طور آشکارا اعمال می‌شوند. اسلامی در پاسخ به این پرسش که آیا ایران از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای خارج می‌شود یا خیر نیز افزود: این موضوع، نیازمند تصمیمی راهبردی و کلان است که در حوزه اختیارات حاکمیتی کشور قرار می‌گیرد. وی گفت: با این حال، آنچه اهمیت دارد این است که کشور ما تصمیم‌های خود را در چارچوبی راهبردی و گسترده‌تر اتخاذ می‌کند که مبتنی بر ملاحظات امنیت ملی و منافع ملی است.